

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)

سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۲۹

تاریخ تصویب: ۹۸/۰۲/۰۶

صفحات: ۵۷ - ۷۸

حق پرسش‌گری در نظام سیاسی اسلام از منظر فقه امامیه

علی متقی

دانشجوی دکتری گروه فقه و حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

دکتر سیدمحمدهادی مهدوی

استادیار گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

دکتر علی فلاحی سیف‌الدین

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

دکتر احمدرضا توکلی

استادیار گروه فقه و حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

چکیده

در راستای تقلیل خطای کارگزاران و بالا بردن کیفیت عمل و ارتقای ضریب اطمینان در حسن انجام وظایف در جوامع مختلف امروزی مطلوبیت نظارت و نقد و بررسی و پاسخگویی کارگزاران اثبات گردیده است. در این خصوص پرسش اصلی این است که چرا مردم حق دارند بر کارکردهای حکومت و کارگزاران خویش نظارت نمایند و اگر انتقاد و اعتراضی دارند آن را اظهار نمایند و امور را تغییر دهند در این رابطه نگاه فقه چیست؟ نگارنده در این تحقیق با مراجعه به پاره‌ای از منابع مرتبط و آیاتی از قرآن و روایاتی از معصومین (ع) و اندیشمندان ... و با روش استنادی و تحلیلی به تشریح چگونگی نظارت و نقد و بررسی عملکرد کارگزاران توسط شهروندان پرداخته و به این نتیجه رسیده است که این شیوه اگر منطبق با فقه ارائه گردد و به آن فراخوانده شود کارائی بیشتری به نظام اسلامی می‌بخشد و می‌تواند در ارائه الگوی نظام اسلامی شیعی نقش مهمتری را ایفا کند.

واژگان کلیدی: نقد، اعتراض، حق، تکلیف، کارگزار.

مقدمه

انتقاد و اعتراض از جمله حقوق و آزادی‌های سیاسی شهروندان به شمار می‌رود که در نظام‌های مردم سالار هر چند با تفاوت‌هایی به رسمیت شناخته شده است، حکومت اسلامی نیز با توجه به اینکه نسبت به جایگاه مردم در عرصه سیاسی رویکردی مثبت داشته و به نقش فعال آنان اعتراف دارد، از این رو نمی‌تواند به اقتضای ویژگی مردم سالاری؛ در زمینه شناسایی حقوق و آزادی‌های مردم موضع شفاف و صریح نداشته باشد.

بنابراین مردم مؤظفند به مسئله انتقاد و اعتراض توجه کنند، اصولاً انتقاد از عملکرد کارگزاران و مسئولان نظام سیاسی یکی از ابزارهای مهم تصحیح عملکرد و رفع نقایص و کارآمد ساختن سیستم سیاسی محسوب می‌شود. چگونگی کنترل قدرت سیاسی و مهار آن یکی از مسائل فراروی جوامع بشری بوده است. برای موفقیت یک حکومت مردم سالار دینی شهروندان بایستی فعال بوده و حالت انفعالی نداشته باشند. اینگونه کارگزاران که عموماً توسط شهروندان انتخاب می‌شوند در مقابل آنان نیز پاسخگو هستند. اصولاً چگونگی کنترل قدرت سیاسی و جلوگیری از انحراف حاکمان از مهمترین دغدغه‌های دنیای امروز است. و فقه سیاسی اسلام هم توجه لازم را به این موضوع داشته است. «نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه‌اش و بازتابی که اعمال دیگران در سرنوشت او دارد و تعهدی که باید در پذیرش مسوولیت‌های اجتماعی داشته باشد ایجاب می‌کند که وی ناظر و مراقب همه اموری که در اطراف او و جامعه‌اش اتفاق می‌افتد (عمید زنجانی، ۱۳۶۶: ۱۲۷).

بنابراین هیچ یک از نظریه‌های سیاسی نمی‌تواند خود را فارغ از پاسخگویی در مقابل انتقاد و سؤال شهروندان بدانند. بی‌تردید کاملترین نظام سیاسی، نظامی است که در درون خود عوامل تضمین بقاء را داشته باشد و بتواند با عواملی که جزء عناصر آن نظام است زمینه رشد عوامل منفی را در درون خویش منتفی سازد و از مصونیت ذاتی در برابر چنین خطرات عظیمی برخوردار گردد، دین اسلام هم به وضوح دارای این خصیصه می‌باشد. به یقین یکی از کارسازترین عوامل رشد و شکوفایی جوامع بشری بعد از اندیشیدن وجود نقادی در حوزه عملکردهاست. بنابراین نقادی و انتقادپذیری نیز به روش‌ها و ساختارهایی نیاز دارد که مطالعه در این خصوص را ضروری می‌نماید. از آنجا که پاسخگو بودن مسئولین در نظام‌های مردم سالار یکی از شاخصه‌های حکومت‌های مدرن است و نقش زیادی در تقلیل خطای کارگزاران و بالا بردن کیفیت عمل و ارتقای ضریب اطمینان در انجام وظایف دارد. لذا پرداختن به این موضوع در

حکومت اسلامی و نهادینه کردن آن ضروری به نظر می‌رسد. لذا ارائه راهبرد مناسب در حوزه پاسخگویی کارگزاران بسیار مهم است که عدم توجه به این موضوع آینده حکومت را با چالش مواجه خواهد کرد. دولت‌های مردم سالار دینی توسط شهروندان انتخاب می‌شوند که در مقابل آنان بایستی پاسخگو باشند و از حقوق مردم نیز حمایت کنند. لذا می‌توان سؤال کلیدی را بدین صورت شکل‌بندی کرد که به چه دلیل کارگزاران و مسئولان نسبت به نقد و اعتراض شهروندان بایستی پاسخگو باشند؟ و در این رابطه نگاه فقه امامیه چیست؟ بر این اساس در این پژوهش تلاش شده است تا ابتدا از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و فیشبرداری و اسنادی به بررسی ادبیات نظری و پیشینه پژوهش پرداخته شود، و در نهایت بر این اساس روش مورد استفاده داده‌های جمع‌آوری شده تحلیل و تبیین گردد.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. مفهوم نقد

واژه نقد به اقتضای موضوع به معنی در مها را و غیره را سره و ناسره کرد، بد و خوب آن را جدا کرد، نقد الحکام، سخن را نقد و حلاجی کرد، انتقاد الکلام: آن سخن را نقد و بررسی و نقاط ضعف و قوت آن را بیان کرد، نقاد: نقد و بررسی کننده وقتی می‌گویند در هم را نقد زد، یعنی آن‌ها را از هم جدا کرد و نگاه کرد (معلوف، ۱۳۸۶: ۴۵) نقد را اینگونه معرفی کرده‌اند: «نقد به معنی واری و بررسی نوشتار و گفتار یا رفتاری برای شناسایی و شناساندن زیبایی و زشتی، بایستگی و نبایستگی و بودها و نبودها و درستی و نادرستی آن‌ها است (شریقی، ۱۳۸۵: ۸۳) به عبارت دیگر "سنجش و ارزیابی و بررسی همراه با عدل و انصاف در پدیده‌های اجتماعی و نگرش دو سویه به رفتارها و عملکردها، یعنی دیدن درد و ارائه درمان با قصد پالایش و نجات حق و حقیقت و بنابراین نقد و انتقاد حرکتی اصلاح‌گرایانه است. که نویسنده به آن معتقد است.

مویس دورژه می‌گوید: «انتقاد و اعتراض به هر شیوه‌ای صورت گیرد؛ گونه‌ای پیکار سیاسی است که به منظور تأثیرگذاری بر قدرت انجام می‌گیرد، از این رو در کلیه حکومت‌ها اعم از دموکراسی و غیر آن جدال سیاسی علنی محدود است. (دورژه، ۱۳۷۸: ۲۲۵)

نظارت و حق انتقاد مردم براساس حق و تکلیف است براساس مبانی دینی اسلام تا جایی

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ ———
که به نظر می‌رسد حق انتقاد و اعتراض آشکار به حاکمان امتیاز دیگری است که در هیچ نظام
سیاسی‌ای با این همه شعارهای دمکراتیک به اندازه نظام سیاسی اسلام وجود ندارد نقد و
اعتراض در قانون:

در اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر شده است:

احزاب و جمعیت‌ها؛ انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی
شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول، استقلال، آزادی؛ وحدت ملی و موازین اسلامی و
اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند، هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به
شرکت در آن‌ها مجبور ساخت.

کسی که حقوق فردی و جمعی خود را می‌شناسد. شهروندی قالب پیشرفته شهرنشینی است.
شهروند در اصطلاح: شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال
یکدیگر شهر و دولت یا قوای حاکم مملکت، فعالیت‌های فردی و اجتماعی است.

از نظر اسلام مسئولان باید اجازه نقد و انتقاد در مورد روش مدیریت و اقدامات انجام شده را
به شهروندان و عوامل اجرایی خویش بدهند و با سعه صدر به انتقادات افراد توجه کرده و در
صورت درست بودن یا بهتر بودن، پیشنهاد آن را بپذیرند. و از اشتباه خود عذرخواهی کنند.

همان گونه که امام علی (ع) به امت اجازه انتقاد از خویش را دادند. امام فرمود: «بدان سان
که رسم سخن گفتن با جباران تاریخ است با من سخن مگویید و آن چنان که از زورمندان
دژخواه پروا می‌کنید، از من فاصله مگیرید با تصنع با من در نیامیزید و چنین مپندارید که اگر با
من سخن حقی گفته‌اید مرا گران آید». (نهج البلاغه: خطبه ۲۱۶)

به همین دلیل به فرماندهان خود توصیه می‌کرد که مشاورینی برگزینند که سخن تلخ حق
را به آن‌ها بگویند (نهج البلاغه: خطبه ۲۵۰).

معمار نظام اسلامی ایران امام خمینی فرمودند: الان ما مکلفیم ما همه‌مان مسئولیم، نه
مسئول برای کار خودمان، مسئول کارهای دیگران هم هستیم کلکم راع و کلکم مسئول عن
رعیه همه باید نسبت به همدیگر مسئولیت داشته باشند مسئولیت من هم گردن شماست،
مسئولیت شما هم گردن من است. اگر پایم را کج گذاشتم شما مسئولید اگر نگوید چرا پایت را
کج گذاشتی؟! ... (خمینی، ۱۳۸۶: ۱۱۰).

اصولاً انتقادپذیری یکی از لوازم اصلی پذیرش مسئولیت است، اگر کارگزاری انتقادپذیر
نباشد اینگونه به نظر می‌رسد که فاقد شرط اصلی ریاست (سعه صدر) است. زیرا وی قدرت

تحمل منتقد را ندارد یعنی، ایشان در غیر جایگاه خودش واقع شده است. امام خمینی می‌فرماید: شما حالا وزیر هستید؛ دیگران باید اطاعت بکنند چشم بسته باید اطاعت بکنند؟! ... این همه برای این که انسان خودش را نساخته؛ اگر انسان خودش را ساخته بود هیچ بدش نمی‌آمد که یک رعیتی هم به او انتقاد کند. (خمینی، ۱۳۸۵: ۹۸)

۲. جایگاه نقد در قرآن و نصوص دینی

قرآن به عنوان کتاب راهنمای انسان در زندگی فردی و اجتماعی به همه مسائل مهم پرداخته است که یکی از مهمترین این امور، مسأله روابط اجتماعی و چگونگی تعامل با دیگری در همه سطوح و رده‌های اجتماعی است. از این رو به روابط میان مؤمنان و نیز مؤمنان و دولتمردان اشاره می‌کند و مسأله انتقاد و انتقادپذیری را به روشنی طرح و مصادیق بسیاری را بیان می‌کند.

نخستین موردی که قرآن به آن اشاره دارد داستان آفرینش انسان است که در سوره‌های مختلف مطرح شده است. در سوره بقره آیات ۳۰ تا ۳۷ به نکاتی اشاره دارد که ارتباط تنگاتنگی با انتقادپذیری و تحمل دیگری را دارد. خداوند با آنکه احاطه عملی کامل به هستی و آفریده‌های خویش دارد و در مقام لایسئل عما یفعل (قرآن کریم، انبیا: ۲۳) (بازخواست نمی‌شود از آنچه می‌کند) نشسته است با این همه اجازه انتقاد و طرح مسأله را می‌دهد. در این داستان که خداوند خود گزارشگر مستقیم و بی واسطه آن است به این نکته اشاره می‌کند که فرشتگان رفتار خداوند را مورد ارزیابی و داوری قرار می‌دهند و از اینکه آفریده‌ای را می‌آفریند که خونریزی می‌کند و خشونت می‌ورزد به نقد می‌کشند. خداوند با آنکه در آن مقام بلند و عظما نشسته است همه این انتقادات را گوش می‌دهد و بدان‌ها پاسخ‌های منطقی و قانع کننده می‌دهد.

در این داستان به مسأله نقش نقد نیز اشاره شده است. انتقاد موجب می‌شود تا اشخاص دیدگاه‌ها و نظرات خویش را مطرح سازند. طرح مسأله و دستیابی به دیدگاه‌ها می‌تواند افزون بر بهره‌گیری از آن‌ها در عمل، ابهامات کار را نیز برطرف سازد. خداوند با این شیوه کوشید تا هدف از آفرینش انسان را به خوبی بیان کند و ماموریت فرشتگان و دیگر موجودات را نسبت به این موجود جدید مشخص سازد.

در حوزه مناسبات قدرت و ملت و دولت نیز این مسأله در داستان مورچگان و حضرت سلیمان (ع) به خوبی نشان داده شده است. حضرت با آنکه در مقام قدرت بود به انتقاد ملکه

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

مورچگان گوش می‌دهد. ملکه مورچگان به صراحت و تندی رفتار و اعمال حضرت و لشکریانش را انتقاد می‌کند و بیان می‌کند که آنان بر هر سرزمینی که درآیند آن را ناخواسته به نابودی می‌کشند. انبوه لشکر اگر به هر جایی درآید چمن و سبزه‌ها و درختان را از بیخ برمی‌کنند و ناخواسته خانه‌های مورچگان و دیگر موجودات ریز و نادیده را از میان می‌برند اینگونه است که به نقد لشکرکشی می‌پردازد و آن را امری زیانبار تحلیل می‌کند. اگر مورچه‌ای اینگونه از لشکرکشی آسیب می‌بیند دیگر جانوران درشت اندام‌تر و درختان چه آسیب‌هایی خواهند دید؟ مورچه با انتقاد از لشکرکشی‌های حضرت سلیمان (ع) می‌کوشد تا رفتار وی را مورد ارزیابی قرار دهد و آثار زیست محیطی آن را بنمایاند. این آثار زیست محیطی آنچنان مخرب و زیانبار است که مورچگان زیرزمینی نیز در امان نیستند چه برسد به موجودات دیگر؟

حضرت با تبسم خویش انتقاد را می‌پذیرد و فرمان می‌دهد که لشکرکشی‌ها به گونه‌ای طراحی شود که آسیبی به محیط زیست وارد نسازد.

این انتقاد در مسئله همدند نیز به شکل دیگر خودنمایی می‌کند. به این معنا که کوچکترین عضو دولت نیز می‌بایست هم پاسخگو باشد و اعمال خویش را با مدیریت بالا دستان انجام دهد و خودسرانه عملی را انجام ندهد و هم اینکه آماده انتقاد و بازخواست باشد. البته به نظر می‌رسد که بازخواست، خاص نیروهای کوچک نیست بلکه همه رده‌ها باید آماده انتقاد و بازخواست از عملکرد خویش باشند.

انتقاد از قوانین وضعی و یا تغییر آن و یا ایجاد تعادل میان قوانین از دیگر اموری است که در مسئله مناسبات قدرت مطرح است. این مسئله را در آیات مختلف به اشکال گوناگون می‌توان یافت. گاه به این شکل است که از قانون و نحوه محتوای آن انتقاد می‌شود و گاه از نحوه اجرای قوانین نقد می‌شود. اینگونه است که در سوره مجادله زنی به پیامبر به عنوان حاکم به مجری قوانین دولتی اعتراض می‌کند. در این سوره به خوبی بیان می‌شود که چگونه و در چه زمینه‌هایی دولتمردان باید خود را آماده انتقاد سازند. با انتقادات است که بسیاری از ابهامات برطرف می‌شود حتی اگر این انتقادات تند و سریع و زنده باشد چنان که در آیات قرآنی گزارش شده است.

حضرت رسول (ص) اصحاب و جامعه مدینه را به گونه‌ای تربیت کرده بود که همگان به راحتی از هر مسئله دولتی و مردمی انتقاد می‌کردند. تفاوتی میان رئیس دولت و یا مردم عادی نبود. جامعه‌ای که به ابوبکر می‌گوید اگر گامی به کژی گذاری تو را با شمشیر راست می‌کنم،

_____ حق پرسش‌گری در نظام سیاسی اسلام از منظر فقه امامیه ❖

این مسئله، نشانگر ظرفیت بالای انتقادپذیری در جامعه بود که به مردم انگیزه نظارت و مراقبت را داده و جواز مسئله‌امر به معروف و نهی از منکر را در همه سطوح صادر کرده بود. مردم مجاز بودند تا تنها در حوزه قوانین عمل کنند و هر کسی بیرون از این دایره قرار می‌گرفت با او برخورد کرده و انتقاد صریح نشان می‌دادند، زیرا آموخته بودند که لاطاعه لمخلوق فی معصیه الخالق؛ از هیچکس نمی‌بایست در معصیت خالق پیروی کرد و امر او مطاع نیست.

آنان آموخته بودند که از حق و حقوق خویش دفاع کنند. روشنگری‌های پیامبر مطالبات جامعه را افزایش داده بود و زمینه را برای انتقاد و نقد عملکردهای فردی و عمومی دولت و جامعه فراهم آورده بود.

اصولا اگر قرآن به مردم می‌آموزد که به مجادله‌های دیگران گوش دهند و از میان نرم و درشت و تند و تلخ و شیرین آن، سخن نیکو و مفید را برگزینند به این معناست که می‌بایست تاب تحمل پذیرش سخنان درشت‌انتقادی را در خویش افزایش دهند. بدین ترتیب قرآن زمینه‌های تحمل‌پذیری جامعه را بالا می‌برد و جامعه‌ای از عالی‌ترین روابط اجتماعی ایجاد می‌کند.

در قرآن آمده است: فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدیهم الله و اولئک هم اولوالالباب (قرآن کریم: زمر، ۱۷-۱۸) ای رسول تو هم آن بندگان را به لطف و رحمت من بشارت آر آن بندگان که چون سخن حقی را بشنوند نیکوتر آن را عمل می‌کنند آنان هستند که خداوند آنان را به لطف خاص خود هدایت فرموده و هم آنان به حقیقت خردمندان عالم هستند.

نکته قابل تامل آن است که برای اینکه از بین چند سخن بهترین‌ها بر گزیده شود آیا نیاز نیست که سخنان موجود مورد ارزیابی و صحت و سقم قرار گیرند و صحیح و ناصحیح آن معلوم گردد این یعنی نقد و بررسی.

امروزه یکی از جدی‌ترین مسائل فلسفه سیاسی ما نقش مردم در تعیین نوع و هدایت سمت و سوی حکومت است. حضور مردم در صحنه سیاسی نمادهای گوناگون دارد که از مهمترین آن‌ها حضور نقادانه و جستجوگرایانه مردم در نوع رفتار و منش مسئولان حکومتی است. از آنجا که بشر جائز الخطاء است اگر به حال خود واگذار شود، ممکن است، آنچنان در تهاجم انواع عوامل فساد، خود باخته می‌شود که گاهی بی آنکه خود بفهمد منحرف می‌شود.

خطر اینگونه مسئولان، اگر در پست‌های حکومتی قرار گیرند، صد چندان می‌شود. به گفته

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —
امام علی (ع): «فلیست تصلح الرعیه الا بصلاح الولاه (نهج البلاغه: خطبه ۲۱۶) صلاح و فساد امت به صلاح و فساد حاکمان منوط است. هر چه دستگاه‌های کنترل کننده فساد قدرت زیادتر و فراگیرتر باشند ضریب امنیت معنوی و صلاح و ایان بیشتر خواهد بود.

۳- اهداف نقد

۳-۱. هدایت، خیرخواهی و اصلاح

جدا کردن سره از ناسره و نشان دادن خوبی‌ها و درستی‌ها به هدف هدایت به سوی کمال و اصلاح امور انجام می‌شود. چنین نقدی خیرخواهانه و سازنده است و باعث پیشرفت و تکامل فرد و جامعه می‌شود. تمام نقدهایی که در قرآن مجید و نهج البلاغه وجود دارد، با همین هدف هستند. قرآن کتاب هدایت است و به این موضوع در آیات آن نیز تصریح شده است؛ از جمله: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾ (قرآن کریم: البقره، ۱۸۵).

مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر این آیه شریفه آورده‌اند: «کلمه «ناس» عبارت است از طبقه پایین افراد جامعه که سطح فکر ایشان نازل‌ترین سطح است، بیشتر در همین طبقه اطلاق می‌شود و براساس کاربرد این کلمه در آیات قرآن، معلوم می‌شود «ناس» معنایی اعم از علما و غیر علما دارد و این اکثریت همان‌ها هستند که اساس زندگیشان بر تقلید است و خود نیروی تشخیص و تمیز در امور معنوی به وسیله دلیل و برهان را ندارند و نمی‌توانند از راه دلیل میان حق و باطل را تشخیص دهند، مگر آنکه کسی دیگر ایشان را هدایت نموده، حق را بر ایشان روشن سازد و قرآن کریم همان روشنگری است که می‌تواند برای این طبقه حق را از باطل جدا کند و بهترین هدایت است. اما خواصی از مردم که در ناحیه علم و عمل تکامل یافته‌اند و استعداد اقتباس از انوار هدایت الهیه و اعتماد به فرقان میان حق و باطل را دارند، قرآن کریم برای آنان بیّنات و شواهدی از هدایت است و نیز برای آنان جنبه فرقان را دارد، چون این طبقه را به سوی حق هدایت نموده، حق را برایشان مشخص می‌کند و روشن می‌کند که چگونه باید میان حق و باطل فرق گذارند» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۲: ۲۳).

طبق نظر مرحوم علامه، اینکه در این آیه شریفه هم «هدی» و هم «بیّنات» از الهمدی» برای قرآن به کار رفته، مقابله میان عام و خاص است، قرآن برای بعضی افراد هدایت، و برای

بعضی دیگر بیناتی از هدایت است. قرآن مجید کتاب هدایت است و تمام آیات و برنامه‌های آن به هدف هدایت انسان هاست، از جمله نقدهایی که در قرآن وجود دارند، همین هدف را دنبال می‌کنند؛ به عنوان نمونه، وقتی خداوند در آیه شریفه خطاب به ایمان‌آوردندگان می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟!﴾ (قرآن کریم: الصف، ۲)، آن‌ها را به سبب تخلف کردار از گفتار و خلف وعده مورد انتقاد قرار می‌دهد، هدف هدایت و تربیت مردم است تا نقض عهد و خلف وعده نکنند. یا وقتی می‌فرماید: ﴿فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبُنُونَ: پس از آنان بپرس که آیا پروردگارت دخترانی دارد و پسران از آن‌هاست؟!﴾ (قرآن کریم: الصافات، ۱۴۹۹). با این نقد، اعتقاد مشرکین به دختر داشتن خداوند را رد و به فساد عقیده ایشان اشاره می‌نماید و از این طریق، باز هم در هدایت و ارشاد آن‌ها تلاش می‌کند.

۳-۲. همراه بودن نقد با علم به موضوع

یکی از اصول مهم نقد، علم و شناخت نسبت به موضوع است. از لغزش‌های ما آدمیان این است که بسیاری از مسایل را بدون برهان و بی‌آنکه درک کنیم، مورد نقد و اعتراض قرار می‌دهیم. رد و انتقاد از هر چیزی، مسبوق به درک آن است. در قرآن کریم آیاتی هستند که تصریح دارند انسان نباید بدون علم و آگاهی کافی نسبت به امور روی آن‌ها اصرار و پافشاری نماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا: از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش، چشم و دل همه مسؤول‌اند﴾ (قرآن کریم: الإسراء، ۳۶).

مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر آیه شریفه نوشته‌اند: «این آیه از پیروی و متابعت هر چیزی که بدان علم و یقین نداریم، نهی می‌کند، و چون مطلق و بدون قید و شرط است، پیروی اعتقاد غیرعلمی و نیز عمل غیرعلمی را شامل می‌گردد و معنایش چنین می‌شود: به چیزی که علم به صحت آن نداری، معتقد مشو و چیزی را که نمی‌دانی، مگو و کاری را که علم بدان نداری مکن؛ زیرا همه اینها پیروی از غیرعلم است. پیروی نکردن از چیزی که بدان علم نداریم و همچنین پیروی از علم در حقیقت، حکمی است که فطرت خود بشر آن را امضاء می‌کند» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۹۲).

همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿... وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَاءِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ؛ و بسیاری از مردم به خاطر هوی و هوس و بی‌دانشی (دیگران را) گمراه می‌سازند و پروردگارت تجاوز کاران را بهتر می‌شناسد) (قرآن کریم: الأنعام، ۱۱۹۹). اینکه کسی یکبارہ دریچهٔ ذهن خود را به روی مسایل باز کند و عقیده‌ای را بپذیرد، سپس دریچهٔ ذهن را به روی همه چیز ببندد، باعث می‌شود که هر چه را با پذیرفته‌های قبلی وی ناسازگار باشد، رد کند و به جدل و منازعه برخیزد و در صدد مغلوب ساختن طرف مقابل برآید. این حاکی از همان روحیهٔ جدلی انسان است که قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جِدَلًا؛ و در این قرآن از هر گونه مثل برای مردم بیان کرده‌ایم، ولی انسان بیش از هر چیز به مجادله می‌پردازد!﴾ (قرآن کریم: الکهف، ۵۴). چه بسا اغلب جدال‌ها هم به ناحق باشد: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُبِينٍ؛ و گروهی از مردم بدون هیچ دانش و هیچ هدایت و کتاب روشنی‌بخشی دربارهٔ خدا مجادله می‌کنند!﴾ (قرآن کریم: الحج، ۸).

مکرر مشاهده شده است، که اگر پیچیده‌ترین مسایل فکری و علمی که مورد اختلاف است، در جمعی مطرح شود، همگان فوراً به اظهار نظر و موضع‌گیری در مقابل هم می‌پردازند و به انتقاد و ایرادگیری می‌پردازند. دسته‌ای نادانسته چیزی را می‌کوبند و دسته‌ای دیگر درک نکرده، به لب و کتفه مطلب نرسیده، رد می‌کنند و به اصطلاح خود آن را نقد می‌کنند. از این رو، ناقد باید بداند با چه مشکلی روبه‌روست. آیا آنچه را پیش آمده، فهمیده است و از کم و کیف و شرایط قضیه خبر دارد و می‌داند که با آن شرایط بهتر از آن چه انجام شده، قابل انجام است یا خیر و بعد اظهار نظر نماید. علی، علیه‌السلام، می‌فرماید: «مَنْ قَصَرَ عَنِ مَعْرِفَةِ شَيْءٍ غَابَهُ» (مجلسی، ۱۳۶۰: ج ۷۴، ۴۲۰).

بنابراین، ناقد پیش از اقدام به رد و انتقاد، تأمل می‌کند که آیا آنچه را می‌خواهد درباره‌اش قلم بزند یا زبان باز کند، فهمیده و دریافته است یا اینکه میل به شهرت و اظهار فضل وی را وامی‌دارد که نپذیرد و رد کند، هر چند مسأله ساده‌ای باشد که با دقت کم می‌تواند آن را هضم کند یا لحن و گویش خود را نرم‌تر کند یا تغییر دهد. افزون بر این، در اظهار نظرها، قابلیت علمی کافی نیست و قابلیت روحی نیز لازم است. کسی که قابلیت روحی پذیرش حقیقت را ندارد، هر جا میان قبول حقیقت و منافع و وابستگی‌های او تعارض پیش آید، جانب حقیقت را رها می‌کند و این نشانهٔ خلق و خوی جاهلی است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «مِنَ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ ... الْمُعَارِضَةُ قَبْلَ أَنْ يُفْهَمَ؛ از ویژگی‌های نادان این است که با آنچه درک نمی‌کند،

می‌ستیزد» (مجلسی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۶۲). در سوره نحل آمده است: ﴿أَكْذِبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا: آیا شما آیات مرا تکذیب کردید و حال آنکه دانش شما به آن احاطه نیافته بود﴾ (قرآن کریم: النمل، ۸۴۴). در احادیث متعدد نیز آمده که «حق خداوند بر بندگانش دو چیز است: یکی اینکه دانسته سخن بگویند و دیگر اینکه ندانسته سخن نگویند» (مجلسی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۱۱۸). ایستادگی، لجاجت و انتقاد و اعتراض به آنچه نمی‌داند، نشانه نادانی است. علی (ع) می‌فرماید: «با آنچه نمی‌دانید، دشمنی مکنید؛ زیرا بیشتر دانش و دانستنی‌ها در آن چیزی است که نمی‌دانید» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ج ۶، ۲۷۸). اما متأسفانه این حالت عمومی انسان‌هاست که دشمن چیزی هستند که نمی‌دانند، چنان‌که خود علی (ع) می‌فرماید: «النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا» (نهج البلاغه: ۱۷).

نقد هنگامی سازنده و اصلاح‌گر است که ناقد از روی علم و آگاهی کامل نسبت به موضوع اقدام به نقد نماید، در غیر این صورت، اگر هر فرد ناآگاهی به خود اجازه نقد بدهد، نه تنها اصلاح و پیشرفتی صورت نمی‌گیرد، بلکه منجر به جبهه‌گیری و برخورد منفی نسبت به نقد می‌شود. خیرخواهی و اصلاح، بستگی به فهم و درک مطلبی دارد که ناقد می‌خواهد نقاط ضعف و قوت آن را بیابد. فرمان خداوند متعال در مرحله نخست به همگان چنین است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید﴾ (الأحزاب/ ۷۰).

علامه طباطبائی در باب ﴿قَوْلًا سَدِيدًا﴾ نوشته‌اند: «کلمه «سدید» از ماده «سداد» است که به معنای اصالت رأی و داشتن رشاد است و بنابراین، «قول سدید» عبارت است از کلامی که هم مطابق با واقع باشد و هم لغو نباشد و یا اگر فایده دارد، فایده‌اش چون سخن چینی و امثال آن غیر مشروع نباشد. پس بر مؤمن لازم است که به راستی آنچه می‌گوید مطمئن باشد و نیز گفتار خود را بیازماید که لغو و یا مایه افساد نباشد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۳۴۷). اما در مرحله دوم به فرموده خداوند متعال آن بندگان مشمول بشارت حق تعالی قرار می‌گیرند که تلاش ایشان تشخیص صحیح از سقیم و برگزیدن سخن صحیح است و بس: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ: پس بندگان مرا بشارت ده. * همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا ایشان را هدایت کرده است و آن‌ها خردمندانند﴾ (قرآن کریم: آیه الزمر، ۱۷۷).

۴. دستاوردهای مثبت پاسخگو بودن

نقد و بررسی و اعتراض هم می‌تواند حق و هم تکلیف برای شهروندان در نظام سیاسی اسلامی باشد. در مقابل آن پاسخگویی به مخالفان و ناقدان نیز وظیفه شرعی و از حقوق آحاد مردم است بر کارگزاران. در اینجا به بعضی دستاوردهای مثبت پاسخگویی اشاره می‌شود.

الف. پاسخگویی سبب تداوم و تقویت حوزه کاری مدیران می‌گردد. برخلاف دیدگاه منفی که هر نقد و سؤال را به منزله تضعیف و خطر تلقی می‌کند. بلکه براساس روایت معصومین انتقاد یک نوع هدیه به انسان است ...

ب. جامعه احساس آرامش می‌کند: هرگاه فضای حاکم بر اداره و ساختار و سازمان و حتی جامعه پذیرای منتقدین باشد. به دلیل ارائه نظر زمینه رشد افکار و اندیشه‌ها بهتر مهیا می‌گردد.

پ. توزیع عادلانه فرصت‌ها: هرگاه جامعه مدرن نقد و انتقاد را به صورت نظامند نهادینه کند. خطاهای عمدی و سهوی مسئولین با انتقاد و اعتراض مواجه می‌شود به همین دلیل با این کار جامعه اصلاح می‌شود. و نتیجه عملی آن توزیع عادلانه فرصت‌ها در زمینه‌های مختلف اقتصادی و حتی تصدی امور حکومتی و برخورداری از امتیازات را در پی خواهد داشت.

ت. تقویت حسن اعتماد مردم: سازمان و مدیریت نقدپذیر، می‌تواند با ایجاد حسن ظن و ایجاد اعتماد جامعه‌اش کارهای بزرگ و مفیدی را انجام دهد، و معضلات را راحت‌تر حل نماید، و زمینه مشارکت جامعه را مهیا سازد.

ث. نقد مسئولان سبب تصحیح عملکرد و مانع فساد خواهد بود: از آنجا که متصدیان می‌بینند بایستی یکایک عملکرد خویش را به مرآء و منظر مردم برسانند به جهت زیر سؤال نرفتن و سربلندی بیرون آمدن از مسئولیت همواره به نقادی منتقدان توجه کرده و دائماً عملکرد خویش را از این رهگذر اصلاح می‌نمایند. تا در مقابل مردم و در روز واپسین سربلند باشند.

ج. پاسخگویی سبب اقتدار مدیر می‌گردد: کارگزارانی که به مسئله انتقاد و نظارت مردمی معتقدند، به دلیل رعایت موارد و نداشتن نقاط ضعف با اقتدار بیشتری به رتق و فتق امور می‌پردازند.

آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند: پاسخگویی یک مفهوم غربی نیست یک مفهوم اسلامی است، بعضی از هر چیزی خوششان بیاید سعی می‌کنند آن را به گونه‌ای به فرآورده‌های افکار و مدنیت غربی منسوب کنند نه، پاسخگویی یک حقیقت اسلامی است این همان مسئولیت است (آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۸۳/۱/۲۶).

_____ حق پرسش‌گری در نظام سیاسی اسلام از منظر فقه امامیه ۵

امام علی(ع) هیچ‌گاه رعایا را از ابراز ایراد و انتقاد نسبت به تصمیم‌ها و عملکردهای خود منع نکرده و نسبت به هیچ‌یک از کسانی که بر اعمال ایشان خرده می‌گرفتند هر چند بی‌ادبانه و تند بود سختگیری نکرده و برخورد تندی ننمود. «هرگز مگو من مامورم و بر اوضاع مسلطم، امر می‌کنم و باید اطاعت شود که این موجب دخول فساد در قلب و خرابی دین و نزدیک شدن به تغییر و تحول می‌شود (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

۵. ماهیت پاسخگویی

آن‌گاه که از ماهیت پاسخگویی بحث به میان می‌آید. از حیث تلقی‌های مختلف قابل طرح است. کارگزاران چه تعهدی در مقابل منتقدین خویش دارند که آن‌ها را وادار به پاسخگویی می‌کند.

۱-۵. تلقی اخلاقی

اخلاق نیکو برای همه انسان‌ها و به خصوص مسلمان‌ها نیاز ضروری است علی‌الخصوص خلق حسن برای مسئولین و منسوبین به نظام سیاسی اسلام ضروری‌تر به نظر می‌رسد. و از طرفی کرامت انسانی در قرآن به آن تأکید شده سبب می‌شود که با انسان‌ها مؤدبانه برخورد معقول و منطقی توأم با جدال احسن صورت گیرد.

۲-۵. تلقی علمی

از نظر علم مدیریت حکومت‌داری نیز یک علم محسوب می‌شود. لذا با آگاهی از قواعد مدیریت هم‌پشتوانه مردمی و هم‌راندمان‌کاری بهبود می‌یابد. به عنوان مثال در حوزه علم مدیریت مردم‌داری و جذب افراد، رضایت مراجعین بسیار اهمیت دارد. و بعنوان یکی از شاخص‌های مدیریتی برتر در دستگاه‌ها دولتی لحاظ می‌شود. مدیری که علمش را با محبت و جذب پرسنل و مردم همراه کند، اگر نسبت به عملکرد وی انتقاد و اعتراضی باشد اگر با سعه صدر برخورد نماید و پاسخگویی را به عنوان تکلیف قلمداد کند بسیار حائز اهمیت است و از او به عنوان کارگزار موفق یاد می‌شود.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

۳-۵. تلقی حقوقی

در نگاه حقوقی حق نقد و اعتراض و نظارت بر متصدیان امور جامعه نه تنها حق بلکه تکلیف به حساب می‌آید. لذا پاسخگویی مدیر جدای از رعایت اخلاق اسلامی و یا هنر مدیریتی، یک وظیفه جدی و دارای ضمانت اجرایی است.

«پاسخگویی اصالتاً یک ماهیتی حقوقی دارد و در مورد حق مردم بر کارگزاران معنی پیدا می‌کند و از ضمانت اجرایی نیز برخوردار است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴: ۱۲۵).

بنابراین پاسخگویی بار حقوقی دارد و مدیران موظف به رعایت آن یعنی پاسخگو بودن هستند و این یک وظیفه کاری است.

اگر شهروندان سؤال و انتقاد نداشته باشند پاسخگویی مسئولین ساقط نمی‌شود. آنان موظف هستند در مواعدهای مقرر برای ایجاد اطمینان خاطر شهروندان به ارائه گزارش کار و تبیین روند اجرایی و اداری جامعه و حوزه مسئولیتی خویش از طریق رسانه‌ها اقدام کنند.

امام علی (ع) فرمودند: «آگاه باشید حق شما بر من این است که جز اسرار جنگی هیچ سری را از شما پنهان نسازم و در اموری که پیش می‌آید جز حکم الهی کاری بدون مشورت شما انجام ندهم» (نهج البلاغه: نامه ۵۰)

۶. نقد و بررسی یک روش و سیره عقلایی

در راستای تقلیل خطای کارگزاران مطلوبیت نقد و نظارت اثبات گردیده است. امروزه حتی در ادارات و واحدهای کوچک امر نظارت و کنترل کیفیت نهادینه شده است. از مهندسين ناظر یک ساختمان گرفته تا یک نیروگاه و تا یک سد و ... امری اجتناب ناپذیر شده است و تا مهندسين ناظر کار انجام گرفته را مورد ملاحظه قرار ندهند کار تأیید نمی‌شود. این نظارت در کاهش خطرات اجتماعی و تقلیل سوءاستفاده نقش بسزایی دارد.

در بسیاری از نظام‌های سیاسی دینی و غیر دینی امر نظارت و بررسی از علائم حکومت سالم است. وجود نهادهای نظارتی پوشش دهنده مثبت این ادعا است.

محقق در پی اثبات نظارت مردمی و از پایین به بالا است. مردم به عنوان ولی نعمتان جامعه به طور مستقیم می‌توانند و می‌بایستی براساس رسالت دینی در نظام سیاسی نقش ایفاء نموده و عقلاً مانع انحراف متصدیان امورشان شوند.

۷. علل انتقاد گریزی

یکی از بزرگترین عیوب جامعه ما در زندگی فردی و اجتماعی انتقاد گریزی است. اکثراً تحمل انتقاد را ندارند. فکر می‌کنند منتقدان دشمنی دارند در نتیجه در مقابل نقد آنان موضع تدافعی و تهاجمی گرفته می‌شود.

البته طبع انسان این است که فکر می‌کند هر کاری می‌کند درست و بجاست و هیچ‌گونه نقدی بر آن وارد نیست. بعضی از مدیران همواره سعی می‌کنند یا اجازه نقد ندهند یا آن را در صورت گوش کردن توجیه کنند تا به زعم خویش آسیبی متوجه وی نگردد. که این اقدام راه حل مناسبی نیست. لذا در اینجا به بعضی از علل انتقاد گریزی اشاره می‌شود:

۱- فرار از برچسب‌ها و انگ خوردن. که این فرار چاره کار نیست بهتر این است که با زبانی نرم و توأم با ادب پذیرای انتقاد باشند.

۲- ربط دادن انتقاد به تسویه حساب شخصی و گروهی. که این هم صحیح نیست چون در واقع اینان دوستان واقعی انسان هستند که عیوب را ارائه می‌کنند و انسان متوجه اشتباه و انحراف خویش می‌شود.

۳- از دیگر علل انتقاد گریزی حب نفس است. یعنی اعتقاد به درستی افکار و اندیشه و عملکرد خویش، چون خودش را دوست دارد و می‌خواهد حفظ شود. ولی فکر می‌کند منتقدین قصد تخریب وی را دارند و لذا موضع گیری می‌کند.

۸. راهکارهای انتقاد پذیری

برای این که فرهنگ نقادی و نقد پذیری ایجاد شود. اول: کارگزار خود را به فرد قدرتمندی تبدیل نماید. این مطلب را برای خویشتن ایجاد کند که هر ناقدی دشمن نیست و هراس نداشته باشد که این هم البته به خود سازی اخلاقی و نیز به تربیت خانوادگی بستگی دارد.

دوم: بالا بردن اعتماد به نفس و مبارزه با بی اعتمادی خویش. تا در مواجهه با نقد منصفانه یا احیاناً اعتراض سریعاً آشفته نگردد و پرخاشگری ننماید که منجر به توهین و بی احترامی یا در موضع مسئولیت آن را انتظامی نکند. بلکه با برخورد وجیه و بررسی صحت و سقم گفته‌ها کار بهتر پیش می‌رود.

سوم: کنار گذاشتن تکبر: خود را برتر از دیگران دانستن و بالاتر از نقد فکر کردن آسیب

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

جدی به همه انسان‌ها به خصوص کارگزاران وارد می‌کند و ایجاد انزجار عمومی را در پی دارد. (وانی کلما دعوتهم لتغفرلهم جعلوا اصابهم فی اذانهم واستغشوا ثیابهم اصرروا واستکبروا استکبارا) (نوح والبتة من هر وقت آن‌ها را دعوت کردم تا بر آن‌ها ببخشایی، انگشتان خود را درگوش‌هایشان کردند و لباس‌های خویش بر سر کشیدند و (بر مخلفت و عناد) اصرار کردند و به شدت تکبر ورزیدند.

هر که گفتا من منم اومن نشد خوشه اوقابل خرمن نشد
من من مشو نیم مشو تا من شوی خوشه شو تا قابل خرمن شوی
در سوره بقره آمده است:

و اذا قيل له اتق الله اخذته العزة بالاثم فحسبه جهنم و لبس المهاد. (قرآن کریم، سوره بقره: ۲۰۶): و چون او را به اندرز و نصیحت گویند از خدا بترس و ترک فساد کن غرور و خود پسندی او را به گناه وادارد که نصیحت نشود، جهنم او را کفایت می‌کند. که بسیار آرامگاه بدیست.

بنابراین اینکه گفته شود، با انتقاد منتقد شخصیت مخاطب لکه دار شده این حرف صحیحی نیست بایستی این خود خواهی کنار گذاشته شود زیرا مسئولین خادم ملت هستند.

۹. بهترین عکس العمل‌ها در مقابل منتقدین و معترضین عملکرد خویش

۱- حفظ خون سردی خویش به جای این که نفس‌ها به شماره افتد، نفس عمیق کشیدن و با حوصله گوش دادن راه‌حل مناسبی است.

۲- به جای اخم و ترش رویی و چهره در هم کشیدن با لبخند شنونده بودن مناسب است. لقمان به فرزند شگفت: فرزندانم نصیحت را بپذیر و به آن عمل کن، که نصیحت فرد عاقل از عسل ناب شیرین‌تر است (دیلمی، ۱۳۹۲: ج ۱، ۷۲).

۳- به جای عصبانیت به ناقدان بر اعصاب خویش تسلط داشتن و آرامش را به خویش تلقین کردن و از طرفی حتی اگر منتقدین عصبی هستند با الفاظ مناسب و حرکات ملایم زمینه ایجاد آرامش مهیا شود.

۴- سعی شود به سخنان معترضین واقعاً گوش فرا داده شود و جواب متناسب و سنجیده ارائه گردد. اگر هم جوابی به نظر نمی‌رسد. پذیرش آن سخن و عذر آوردن با سخنان متناسب راه‌حل مناسبی است.

- _____ حق پرسش‌گری در نظام سیاسی اسلام از منظر فقه امامیه ۵
- ۵- در صورت به حق بودن مطالبه منتقدین ضمن پذیرش آن از آن‌ها به خاطر دلسوزی و احساس. وظیفه تشکر شود.
- ۶- سعی شود نقاط مشترک بین دو دیدگاه مطرح و از آن زاویه با آنان گفتگو و مفاهمه آغاز شود و اقتناع منطقی صورت گیرد.
- ۷- سعی شود اهداف و انگیزه انتقاد روشن شود از آنان پیشنهاد حل مسئله دریافت گردد.
- ۸- آن‌گاه که منتقدین عصبانی هستند موضع‌گیری نشود بلکه به آنان گوش داده شود لذا هیچ لزومی ندارد با عجله و ناامیدانه بکوشید از خودتان آدم بی‌نقصی بسازید.
- ۹- همواره از انتقادکننده تصویر مثبتی بایستی باشد. امام باقر (ع): از کسی پیروی کن که از روی خیرخواهی و نصیحت تو را می‌گریاند ولی پیرو کسی نباش که تو را می‌خنداند.

۱۰- عواقب سوء عدم پاسخگویی مسئولین حکومتی

حق ناپذیری، که در فرهنگ اسلامی به تعصب ناروا و استبداد رای تعبیر شده است، مضرات و مخاطرات فراوانی را در سازمان‌ها و نهادهای بجا می‌گذارد از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱۰-۱. بقاء بر خطاء

حق ناپذیری موجب می‌شود که مدیران و فرماندهان، بر اندیشه و رویه ناروایی که اتخاذ نموده‌اند، همچنان باقی بمانند.

امام علی: «من اقبل علی النصیح اعرض عن القبیح» (آمدی، ۱۳۵۹، ج ۵: ۳۱۷) کسی که به نصیحت‌کننده روی آورد، از زشتی دور می‌ماند.

۱۰-۲. محرومیت از اندیشه‌های رشد

فرار مدیران و فرماندهان از تذکرات، نصایح و نقد خیرخواهانه، موجب می‌شود که پیشنهاد اندیشه‌های برتر و سازنده، محروم بمانند همکاران و زیردستان، بسابه اندیشه‌ها و نظرات سازنده‌ای دست می‌یابند، که به جهت بدخلقی و خیره سری روسا از بازگو کردن آن‌ها دریغ می‌نمایند. نظراتی که می‌تواند موجب افزایش کارایی‌ها و رشد کمی و کیفی کار سازمان گردد.

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —

۱۰-۳. رشد تملق و چاپلوسی

از ضرر و خطرات دیگر حق ناپذیری مدیران و مقاومت آن‌ها در برابر نصیحت و انتقاد سالم، رشد خصیصه ناپسند چاپلوسی و تملق کار گزاران و زبردستان است. امام علی (ع): «اجهل الناس المغتر بقول مدح متملق يحسن له القبيح و يبغض اليه النصيح» (آمدی، ۱۳۵۹، ج ۵: ۴۵۲).

همه مسئولین در نظام سیاسی اسلام براساس آموزه‌های دینی می‌بایستی بپذیرند که نقادی آحاد مردم و با روش صحیح سبب پیشرفت در حوزه کارشان می‌گردد. از این رو ضروری است قدرت تحمل نقد و اعتراض خود را بالا ببرند و الا با تهدید و تطمیع آنان... مطالبات بی پاسخ می‌مانند و دستاورد نامطلوبی به همراه خواهد داشت.

نتیجه‌گیری:

بی‌تردید کاملترین نظام سیاسی، نظامی است که در درون خود عوامل تضمین بقاء را داشته باشد. و بتواند با عواملی که جزء عناصر آن نظام است زمینه رشد عوامل منفی را در درون خویش منتفی سازد و از مصونیت ذاتی در برابر چنین خطرات عظیمی برخوردار گردد.

ارتقاء جایگاه نظارت همگانی و نقد و بررسی کارگزاران از حق به تکلیف از دیدگاه فقه سیاسی اسلام علاوه بر حقی که نظام‌های مردم سالار غیر دینی از آن یاد می‌کنند و یا به آن عمل می‌نمایند، فقه سیاسی اسلام جایگاه نظارت و بررسی مردمی را از حق صرف به تکلیف ارتقاء داده است این ارتقاء از حق به مرحله تعهدی و تکلیفی و وظیفه امتیاز والایی است که هیچکدام از نظام‌های مدرن آن را ندارند.

آنگاه که نظارت همگانی صبغه تکلیف به خود می‌گیرد مردم حاضر خواهند بود تا برای انجام آن تکلیف هر هزینه‌ای را بپردازد و از عاقبت طلبی در مسیر اصلاحات اجتماعی پرهیز کنند.

بنابراین ورود در حکومت هم حق است و هم تکلیف و مردم وظیفه دارند در ساختن دولت دینی تلاش کنند. بنابر این:

(الف) عدم پاسخگویی رابطه مثبت بین شهروندان و متصدیان حکومتی را تیره می‌سازد؛ و سبب به وجود آمدن جو بدبینی و شایع پراکنی می‌شود.

(ج) تفرقه سبب متأثر شدن افکار عمومی جامعه می‌شود. و بدگمانی را دامن می‌زند.

(د) در حوزه کلان حمایت مردمی تضعیف می‌شود. امام علی (ع): «بدگمانی به ناصح نشانه

انحطاط و سقوط است» بنابراین از بدگمانی به نقد مردم نهی نموده است

به دلایل مختلفی براساس مبانی دینی آگاهی از روند مدیریت صحیح بر شهروندان لازم است و در مقابل حقی نیز بر گردن کارگزاران اثبات می‌شود و به همین دلیل بایستی پاسخگو شهروندان باشند. یا به دلیل قاعده ارشاد جاهل که مکلفین وظیفه دارند چنانچه متوجه انحراف کارگزاران شدند آن‌ها را به راه صحیح وادار کنند. و از طرفی با مراجعه به سیره معصومین اینگونه بوده است که به سؤال و ابهامات مردم پاسخ مجاب کننده می‌دادند و هیچ گاه از سؤال منع نمی‌کردند.

پیشنهادات:

- بر این اساس پیشنهادهای نقادی کارگزاران و نقد پذیری آنان جهت الگوگیری در قالب موارد ذیل قابل پیگیری است که می‌توان به طور خلاصه به موارد زیر اشاره کرد.
- فرهنگ نقادی توسعه بیشتری داشته باشد تا موضوع مورد بحث به داوری همگان گذاشته شود و نخبگان موافق و مخالف اظهار نظر نموده تا جامعه و حکومت از اینگونه اظهار نظرها بهره‌مند شود.
 - ایجاد بستر و ساختار مناسب جهت نهادینه کردن نظارت و بررسی مردمی بر حکومت از طریق رسانه‌ها و آموزش عمومی جامعه.
 - از نظر روانی علل عدم پذیرش نقدپذیری در دوره‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد.
 - سعی شود اهداف و انگیزه‌های انتقاد را بررسی و نسبت به موضوع مربوطه راه‌حل را از خود منتقد یا دیگران گرفته شود.
 - از انتقاد تصویر مثبتی در ذهن کارگزاران ایجاد شود تا هضم آن سهل گردد.
 - سعی شود به جای جبهه‌گیری در مقابل منتقدین و معترضین به سخنان او گوش فرا دهد اگر صحیح است تسلیم شود و اگر ناصحیح است جواب منطقی با استدلال احسن ارائه گردد.
 - حفظ خونسردی، احم نکردن، مسلط بودن بر اعصاب خویش، پیدا کردن نقطه اشتراک بین دیدگاه خویش و منتقدان از جمله بهترین عکس‌العمل‌ها در مقابل منتقدین معترضین است.

منابع قران مجید نهج البلاغه

- آمدی تمیمی، عبدالواحدین، محمد (۱۴۰۷هـ)؛ غرر الحکم و دررالکلم، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- انصاری، محمدعلی، (۱۴۱۵هـ)؛ الموسوعه الفقهيّه، جلد سوم، قم: مجمع الفکر الاسلامی، چاپ دوم.
- ایزدهی سجاد (۱۳۷۹)؛ مبانی فقهی نظارت بر قدرت، قم: چاپ نشر عروج، چاپ اول.
- جعفری، قاسم (۱۳۸۸)؛ مبانی فقهی نظارت شهروندان بر حاکمان، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۴)؛ ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ نهم.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۵)؛ صحیفه امام، جلد سیزدهم و چهاردهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
- شاکرین، حمیدرضا (۱۳۸۹)؛ حکومت دینی، قم: دفتر نشر معارف، چاپ نهم.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۸۵)؛ آیین زندگی، قم، معارف، چاپ بیست و سوم.
- دیلمی، حسن ابن ابوالحسن (۱۳۹۲)؛ ارشادالقلوب، ناشر رضی، چاپ پنجم.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۶)؛ فقه سیاسی، جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- صفایی حائری، علی (۱۳۸۶)؛ روش نقد، قم: لیلۃ القدر، چاپ دوم.
- کلینی، یعقوب (۱۳۸۶)؛ اصول کافی، جلد دوم، تهران: دفتر نشر و فرهنگ، چاپ دوم.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸)؛ پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم: مؤسسه پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم.
- معلوف، لوئیس (۱۳۸۶)؛ المنجد (محمد بندر ریکی)، تهران: چاپ سوم.
- ملکی، مصطفی (۱۳۹۴)؛ بررسی فقهی نهمدهات حکومت اسلامی در امر به معروف و نهی از منکر، رشته الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم.

- ◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۳۹۸ —
- موسوی کاشمیری، سید مهدی (۱۳۷۹): انتقادگری و انتقاد گریزی در حکومت علوی، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷.
- موریس، دورژه (۱۳۷۸): بایسته‌های جامعه شناسی، تهران: انتشارات دادگستر، چاپ پنجم.
- نائینی، محمد حسین (۱۳۷۸): تنبیه الامه تنزیه الملت (طالقانی)، قم: شرکت سهامی انتشار، چاپ نهم.
- نظر پور، مهدی (۱۳۹۰): آشنایی با قانون اساسی ایران، قم: دفتر نشر معارف، چاپ اول
- یعقوبی، ابوالقاسم (۱۳۷۸): فرهنگ نقد از نگاه امام خمینی، فصلنامه حوزه، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.